



Human Rights Requirements of States in the Utilization of International Watercourses: The Case of the Hirmand River

Mohammad Saleh Anisi*

Ph.D Student, Public International Law,
Islamic Azad University of Central Tehran
Branch, Tehran, Iran

Mahnaz Rashidi

Assistant Professor, Department of Law,
Faculty of Humanities, Shahed University,
Tehran, Iran

Mahdi Piri

Assistant Professor, Department of Public
Law, University of Tehran, Tehran, Iran

1. Introduction

Today, given the fundamental role of water in human life, water crises are among the most significant transboundary challenges facing humanity. Iran, due to its arid and semi-arid geography, faces particularly difficult water conditions. In some regions, the country relies on transboundary rivers to meet its water needs—often from a downstream position. One of the most important of these is the Hirmand (Helmand) River Basin. A treaty has been established

* Corresponding Author: Mohammadsaleh.Anisi@lecturer.usc.ac.ir

How to Cite: Anisi, M. S., Rashidi, M. & Piri, M., “Human Rights Requirements of States in the Utilization of International Watercourses: The Case of the Hirmand River”, The Quarterly Journal of Public Law Research, Vol. 26, No. 86, (2025), 197-234. Doi: [10.22054/QJPL.2024.77194.2955](https://doi.org/10.22054/QJPL.2024.77194.2955)

between Iran and Afghanistan regarding Iran's irrigation rights to the Hirmand River. However, despite the treaty's validity, Afghanistan has failed to deliver Iran's annual water allocation of 820 million cubic meters, thereby violating the agreement. The water crisis in Iran's Sistan and Baluchestan Province has now reached a critical level, threatening the lives of its residents. As such, the issue has significant human rights implications. As the artery of Sistan and Baluchestan Province, the Hirmand River plays a vital role in supporting both the livelihoods and the health of local residents, making it essential to explore and highlight the human rights dimensions of this crisis.

2. Literature Review

The utilization of international watercourses is governed by a distinct international legal regime. While there is extensive research on this subject, the human rights implications—particularly in Iran—have not received adequate attention. Referring to all relevant sources, this study aimed to fill that gap by examining the Hirmand Basin as a case study. The research is considered innovative in its approach, as it explored the overlap between two key international legal regimes. It identified existing gaps and proposed legal solutions to ensure that human rights are respected in the equitable use of international watercourses, with a particular focus on the Hirmand Basin.

3. Materials and Methods

The present study built its arguments by comparing and applying general legal rulings to specific events in the Hirmand Basin. Key methods used to provide legal solutions include historical analogy, priority, and similarity. Moreover, the jurisprudence of the International Court of Justice serves as one of the primary foundations for the legal reasoning presented in this research.

4. Results and Discussion

First, the study focused on the human rights obligations of governments in the management of international watercourses. It explored various dimensions of the right to access water, providing a substantive analysis of its minimum and maximum thresholds as defined in human rights documents. Key issues discussed include the multifaceted, fundamental nature of this right as well as its transboundary implications. Drawing on international legal sources, the research examined various dimensions and relevant rulings. Then, the method of analogy was used to apply and adapt these rulings to contemporary real-world events. Second, the research examined the nature of issues surrounding the Hirmand Basin. Given the predominantly rural context of the region, the Hirmand water plays a crucial role in the development and livelihood of the local residents. Furthermore, the Hirmand River Water Treaty, a binding international legal agreement between Iran and Afghanistan, underscores the importance of upholding the right to access water. To support the main argument, the analysis relied on relevant international jurisprudence and numerous international opinions to prove the main hypothesis of the study. It appears that the principle of due diligence—recognized as the point of overlap between procedural and substantive rights in international basins—has not been adequately observed in the Hirmand Basin. Moreover, the right to access water in this basin remains questionable. The research identified existing legal gaps by analyzing various aspects of the issue and substantiating the proposed hypotheses. In this context, several important legal solutions are presented, the most significant of which are rooted in human rights literature—particularly in relation to different dimensions of the principle of due diligence. Furthermore, the study highlighted the relevance of human rights monitoring mechanisms under the United Nations Charter, considering them as key legal instruments for safeguarding water rights in the Hirmand Basin.

5. Conclusion

Despite the extensive research in this field, it appears that insufficient attention has been paid to the importance and scope of human rights obligations. In this context, international jurisprudence can be leveraged to develop this discussion and place greater emphasis on the dignity of residents in basins such as the Hirmand. The application of the due diligence principle, along with international human rights monitoring mechanisms, can help ensure the fulfillment of states human rights obligations in transboundary basins like the Hirmand.

Keywords: Human Rights, Right to Health, International Watercourses, Hirmand, Right to Access Water





الزامات حقوق بشری دولت‌ها در بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی: مطالعه موردی هیرمند

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
مرکزی، تهران، ایران

محمد صالح انیسی * 

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

مهناز رشیدی 

استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مهدی پیری 

چکیده

امروزه بهره‌برداری کشورها از آبراه‌های بین‌المللی با عنایت به نقش اساسی آب در حیات و معاش انسان بسیار پر اهمیت جلوه می‌نماید. این موضوع اگرچه به نحو خاص تابع رژیم حقوقی منحصر به فردی است اما از جوانب بسیار مهم حقوق بشری نیز برخوردار است. در حال حاضر بحران آب در حوضه آبریز هیرمند بیش از هر زمان دیگر واجد جوانب حقوق بشری است. حق بر دسترسی به آب، حق بر سلامت و در نهایت حق بر حیات از جمله حقوقی هستند که لزوم رعایت و حمایت آنها در ابعاد ملی و بین‌المللی بسیار مدنظر است. این پژوهش نیز با تبیین ابعاد مختلف حقوق بشری مرتبط و همچنین بررسی احکام حقوقی و قضایی بین‌المللی قابل تسری به موضوع و تطبیق آنها از طریق قیاس و استقرا با بحران امروز حوضه آبریز هیرمند از الزامات حقوق بشری و فرامرزی موجود در این قضیه خاص سخن به میان آورده و سپس با تشریح خلأهای حقوقی حاضر، تبیین رویکردهای حداقلی رعایت، حمایت و اجرای حق بر دسترسی به آبراه به‌عنوان راهکار حقوقی بین‌المللی مناسب ارزیابی نموده است.

واژگان کلیدی: حق بر دسترسی به آب، حق بر سلامت، آبراه بین‌المللی، هیرمند.

مقدمه

امروزه می‌توان بحران‌های آبی را در سطح جهان به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم پیش روی بشریت قلمداد نمود. اهمیت و نقش اساسی و بنیادین آب در ابعاد مختلف زندگی بشر بر کسی پوشیده نیست و به بیان دیگر آب به‌عنوان یکی از مهمترین پیشران‌های حیات و توسعه بشری به شمار می‌رود. پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۵۰ بالغ بر ۲ میلیارد نفر با مشکل کمبود آب مواجه شوند و در این مورد سازمان‌هایی چون سازمان ملل متحد و یونسکو بارها هشدار داده‌اند.^۱

ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی خود که غالباً خشک و نیمه خشک است همواره با چالش‌های آبی زیادی روبه‌رو بوده است. لازم به ذکر است که میزان بارش در ایران کمتر از یک سوم متوسط جهانی می‌باشد.^۲ بر حسب این موقعیت جغرافیایی خاص، بخشی از نیاز آبی کشور به‌ویژه در مناطق شرقی به تأمین آب از رودخانه‌های فرامرزی که در آنها سهم است، بستگی دارد. گفتنی است جمهوری اسلامی ایران در مورد رودخانه‌های فرامرزی، غالباً از موقعیت آبی پایین‌دستی برخوردار است که از جمله مهمترین آنها می‌توان به حوضه‌های آبریز هیرمند، هریرود و ارس اشاره کرد. در طول تاریخ و به‌طور طبیعی دولت‌هایی که در حوضه‌های آبی از موقعیت بالادستی برخوردار بوده‌اند تمایل به اعمال هژمون آبی خود را بارها نشان داده‌اند و با تشریح دیدگاه‌هایی چون پرداخت‌های جانبی (نفت در برابر آب) سعی بر اعمال هژمون آبی با هدف توسعه ملی داشته‌اند. حوضه آبریز هیرمند از جمله حوضه‌های مهمی است که جمهوری اسلامی ایران در آن از موقعیت پایین‌دست برخوردار است. دو کشور ایران و افغانستان در طول تاریخ در مورد موضوع تأمین حقایق در این حوضه، با تنش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند که البته ماحصل این تنش‌ها را می‌توان انعقاد معاهده راجع به آب رود هیرمند سال ۱۳۵۱ میان این دو کشور قلمداد نمود. در این معاهده راجع به حقایق‌های شرب و کشاورزی کشور ایران توافق‌های مهمی صورت گرفته است؛ به ترتیبی که در ماده دوم آن، افغانستان موظف شده است تا در هر سال آبی

1. Alberto Borreti & Lorenzo Rosa, "Reassessing the Projections of the World Water Development Report", npj Clean Water, Vol. 15, No. 2, (2019).

۲. الهام نوبهار و محبوبه کبیری رنانی، «بررسی مسأله رودخانه هیرمند: رهیافت نظریه بازی‌ها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۶، شماره ۱، (۱۳۹۹)، صص ۲۰۷-۱۸۳.

نرمال، میزان آب ۲۲ متر مکعب بر ثانیه که معادل ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال است را به انضمام ۴ متر مکعب به نشانه مودت دوستی به ایران تحویل دهد.^۱ لازم به ذکر است که دو کشور تاکنون پیرامون موضوع حقابه در حوضه هیرمند ۱۲ مناقشه سیاسی را تجربه نموده‌اند که بر اساس اطلاعات در دسترس، به منظور حل و فصل آنها ۲۷ بار مذاکره میان آنها صورت پذیرفته است.^۲ به نظر می‌رسد که با روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان و به رغم وجود معاهده فوق الذکر، بار دیگر در سال‌های اخیر مناقشات آبی مرتبط به تأمین حقابه ایران از این رود افزایش یافته است. شواهد حاکی از آن است که حقابه اختصاص یافته به ایران به موجب معاهده^۳ هیرمند از سوی افغانستان تأمین نمی‌شود به نحوی که وضعیت معیشتی را در مناطق سیستان و بلوچستان بحرانی ساخته و حیات انسانی را با خطری بسیار جدی روبه‌رو کرده است. بنابراین مبرهن است که موضوع مناقشه هیرمند میان ایران و افغانستان به رغم قابل بررسی بودن از منظر حقوق آبراه‌های بین‌المللی، ابعاد جدید حقوق بشری یافته است که باید از این منظر نیز نگریسته شود. بنابراین این مقاله بر آن است تا با تشریح ابعاد مهم حقوق بشری مرتبط به بحران امروز هیرمند، موضوع را بررسی نماید. به نظر می‌رسد که تعهدات حقوق بشری مرتبط با مقوله تأمین آب به نحو قابل توجهی با خلأهای ادراکی و اجرایی دست و پنجه نرم می‌کنند. این پژوهش با تبیین گستره و ماهیت تعهدات حقوق بشری مرتبط با دولت‌ها در موضوع تأمین آب، حق بر دسترسی به آب را به عنوان تعهدات فوری فرامرزی و با ماهیت به نتیجه قلمداد می‌کند و در نهایت با وام‌گیری از مفهوم «اقدامات مقتضی»^۴ در پی اشاره به تکلیف فرامرزی افغانستان در تأمین آب دولت پایین‌دست هیرمند و همچنین سازوکارهای نظارتی حاضر در این مقوله است تا نهایتاً به ارائه برخی راهکارهای حقوقی مرتبط بپردازد.

۱. رضا موسی زاده و مرتضی عباس زاده، «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، (۱۳۹۵)، صص ۱۷۰-۱۶۰.

۲. مریم وریج کاظمی، «نقش هیدروپلیتیک هیرمند در بروز بحران‌های قومی در سیستان و بلوچستان»، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳، شماره ۲، (۱۳۹۹)، ص ۱۵۸.

۳. با استناد به معاهده آب رود هیرمند حقابه سالانه کشور ایران به میزان ۸۲۰ میلیون متر مکعب تعیین شده است.

4. Due diligence.

۱. تعهد دولت‌ها نسبت به تأمین حق بر دسترسی بر آب در آبراه‌های بین‌المللی اساسی بودن تأمین آب برای بقا و تداوم حیات انسان و وابستگی ابعاد مختلف تأمین نیازهای انسانی به آب، موجب جلب توجه جامعه بین‌المللی به مفهوم حق بر دسترسی بر آب شد. حق بر دسترسی بر آب به‌عنوان حق همه افراد بشری بدون هرگونه تبعیض ناروا (بر مبنای جنسیت، نژاد، مذهب و ...) بر دسترسی آسان به میزان کافی از آب سالم و در یک قیمت مقرون به صرفه دلالت دارد.^۱ اگرچه این حق در اسناد حقوق بشری به نحو مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته است اما می‌توان با مراجعه به بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در جایی که بر حق بر سلامت به‌عنوان استانداردهای حیات بشری اشاره شده است، موضوع حق بر دسترسی به آب را استنباط نمود.^۲ در این مورد اعلامیه مذکور از ویژگی الزام‌آور حقوقی برخوردار نیست ولیکن همواره به‌عنوان اولین سند حقوق بشری در جامعه بین‌المللی واجد اهمیتی ویژه است.^۳ حق بر دسترسی به آب نخستین بار در کنفرانس آب ملل متحد در سال ۱۹۷۷ مورد اشاره قرار گرفت^۴ و در بخش هجدهم از دستور کار ۲۱ کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد به‌عنوان یکی از حقوق بشری به شمار آمد.^۵ با برگزاری اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲، آب به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین پیشران‌های توسعه بشری تشریح شد اما این نظریه تفسیری شماره ۱۵^۶ کمیته حقوق

۱. مهناز رشیدی، «نقش قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در تضمین حق بر آب»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷، (۱۴۰۱)، ص ۸۴.

2. United Nations General Assembly, "The Universal Declaration of Human Rights", (1948), available at: www.UN.org.

۳. سید محمد قاری سید فاطمی، «معاهدات حقوق بشری فضایی متفاوت»، نشریه دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۸، (۱۳۸۲)، صص ۴۴-۵.

۴. میثم اسلام پناه و همکاران، «نگرشی بر نقش رویه‌های ویژه حقوق بشری در دسترسی به حق آب آشامیدنی سالم در کشورهای در حال توسعه»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۳، (۱۴۰۱)، صص ۳۳۵-۳۰۷.

5. United Nations Conference on Environment & Development, "AGENDA 21", (1992), Chapter 18, 18.2, available at: www.sustainabledevelopment.un.org.

6. Elliot, Curry, "Water Scarcity and the Recognition of the Human Rights to safe Freshwater", Northwestern Journal of International Human Rights, Vol. 9, No. 1, (2010), p 118.

اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بود^۱ که در سال ۲۰۰۲ به حق بر دسترسی به آب و جاهت رسمی و قانونی اعطا کرد.^۲ این نظریه متأثر از مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، آب را به‌عنوان بنیاد سلامت و استاندارد شایسته زندگی بشر شناسایی نمود.^۳ کمیته مذکور بار دیگر در سال ۲۰۱۰ نیز در یک بیانیه تفسیری دیگر پیرامون موضوع بهداشت به حق بر دسترسی به آب به‌عنوان یک حق بشری اشاره کرد.^۴ با این اوصاف حتی اگر نتوان به صراحت حق بر دسترسی به آب را به‌عنوان یک حق بشری مستقل محسوب نمود اولاً باید از نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیروی نمود و الزام حقوقی این حق را ناشی از تلقی آن به‌عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر برخی از مصادیق به رسمیت شناخته شده حقوق بشر مانند حق بر حیات، حق بر استانداردهای شایسته زندگی و حق بر سلامت دانست^۵ و ثانیاً این حق واجد تکالیف مهمی برای دولت‌های ساحلی در آبراه‌های بین‌المللی می‌باشد. به نحو خاص به نظر می‌رسد که امروز دولت افغانستان در حوضه آبریز هیرمند با استناد به حقوق بین‌الملل بشر تکلیف بر تأمین میزان آب مورد نیاز مردم مناطق پایین‌دست این حوضه را از طریق تأمین حقابه مندرج در معاهده هیرمند دارد که در ادامه به طور تفصیلی به تبیین چرایی این فرضیه خواهیم پرداخت.

۱-۱. در هم تنیدگی حق دسترسی به آب و سایر حقوق بشری

بند ۲ ماده ۱ مشترک میثاقین حقوق بشری اشعار می‌دارد که هیچگاه نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش محروم ساخت. واضح و مبهرن است که آب همواره به‌عنوان یکی از وسایل اساسی معاش بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و خواهد بود. با این استدلال می‌توان

1. UN Economic and Social Council, *General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant)*, E/C.12/2002/11, UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), 20 January 2003.

۲. میثم اسلام پناه، همان، ص ۳۱۵.

۳. همان، ص ۳۱۵.

4. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, "Statement on Right to Sanitation", (2010), available at: <https://digitallibrary.un.org/record/715989?ln=en,number=7>.

۵. مهناز رشیدی، امنیت آب در حقوق بین‌الملل، چاپ اول (تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۹) ص ۱۷۷.

به راحتی پی برد که حق بر دسترسی به آب به عنوان یک حق بشری پیوسته قلمداد می شود که به عنوان تابعی مشترک از حقوقی چون حق بر سلامت و استانداردهای شایسته زندگی به شمار می رود، وانگهی حق دسترسی به آب در نهایت به حقوق بشر بنیادین منتهی می گردد^۱ به نحوی که شورای حقوق بشر نیز در سال ۲۰۱۰ در نظری همسو منع دسترسی به آب را مستقیماً به نقض حق بر حیات تسری داده است.^۲ اساساً نقش دسترسی به آب در برخورداری از هر جزء از مقدمات حق بر استانداردهای شایسته زندگی انکارناپذیر است. علاوه بر این حق بر دسترسی به آب از جمله موضوعاتی است که از توابع حق بر سلامت نیز به شمار می رود و در مورد آن اتفاق نظر بین المللی وجود دارد.

بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در باب ماهیت کلی تعهدات مندرج در این سند، این تعهدات را به عنوان تعهدات تدریجی قلمداد می کند. حال پرسش این است که موضوع فوق الذکر در مورد حق بر سلامت و به تبع آن حق بر دسترسی به آب چگونه صدق می کند. در پاسخ لازم به ذکر است که تعهدات مرتبط با حق بر سلامت از منظر سند فوق الذکر به دو دسته تعهدات فوری و تدریجی تقسیم شده است. این یعنی فارغ از بضاعت، هر دولت مکلف به اجرای حداقل حقوق مرتبط با سلامت است که در این باب می توان به «تعهدات محوری حداقلی» در مورد حق بر سلامت که از طرف کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ابراز شده اند توجه نمود.^۳ تضمین دسترسی به ضروریات معیشتی و تضمین دسترسی به آب آشامیدنی سالم از جمله تعهداتی هستند که واجد اثر فوری بوده و به طریق اولی منع دسترسی به آب را نقض تعهدات ذیل حق بر سلامت احتساب می کنند. بعلاوه این موضوع را می توان به این شکل ابراز نمود که منع دسترسی به آب از حداقلی ترین اقداماتی است که ناقض حق بر حیات هم نیز است. به طور کلی تعهدات مرتبط با حق بر سلامت مشتمل بر سه دسته هستند که عبارتند از: تعهد به رعایت، حمایت و اجرا. به نظر می رسد که این سه دسته تعهد هم در یک قالب طبیعی -

1. Ralph p Hall et.al., "The Human Right to Water: The Importance of Domestic and Productive Water Rights", Scieng Ethics, No. 20, (2014).

2. Human Rights Council, "Resolution on Human Rights and Access to Safe Drinking Water and Sanitation", (2010), A/HRC/RES/15/9.

۳. احسان جاوید و صابر نیاورانی، «قلمرو حق بر سلامتی در نظام حقوق بین الملل بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۱، (۱۳۹۳)، صص ۶۱-۵۵.

پوزیتیویستی، همزمان هم رویکرد ایجابی را به عنوان رویکرد غالب و هم رویکرد سلبی را به عنوان رویکرد حاشیه‌ای در خود جای داده‌اند. بنابراین دولت‌ها در عین عدم تأثیر منفی بر سلامت عموم، مکلف به حمایت از آن در مقابل عوامل تهدید کننده هستند و در این راستا اقدام به قانونگذاری می‌کنند. با این تفاسیر می‌توان حق بر دسترسی به آب را به عنوان یک متغیر مهم و مشترک در راستای احترام و حمایت از حق‌های بشری فوق قلمداد نمود. تفسیر عمومی شماره ۱۵ با رویکردی موسع در مورد کلمه «شامل» مندرج در ماده ۱۱ میثاق دوم، حق بر دسترسی به آب را در کنار حقوقی چون حق بر غذا و مسکن قرار داده است.^۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در همین راستا در سال ۲۰۱۳ حق بر دسترسی به آب کافی، سالم، در دسترس، قابل قبول و ارزان را به عنوان یک حق بشری فراگیر و ضروری در جهت ادامه حیات بشری تبیین نمود. بنابراین حق بر دسترسی به آب مشتمل بر متغیرهایی چون کمیت و کیفیت، به تعبیری امنیت و ایمنی است. دیری نپایید که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴ و در مورد دادخواست تقدیمی انجمنی از دیترویت ایالات متحده^۳ در مورد قطع آب شهروندان نظری همسو با مجمع را ابراز نمود و منع دسترسی به آب شهری را به عنوان نقض حقوق اساسی شهروندان ارزیابی کرد.^۴ پس از این، به حق بر دسترسی به آب در بسیاری از اسناد بین‌المللی اشاره شد که قطعنامه ۵ اکتبر ۲۰۲۲ پارلمان اروپا را می‌توان در زمره آخرین اسناد حقوقی و بین‌المللی مصوب مرتبط به موضوع جای داد. این قطعنامه متأثر از اسناد مهمی چون قطعنامه‌های ۴۵/۸، ۴۸/۱۳ سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ شورای حقوق بشر و قطعنامه ۷۵/۲۱۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۲۰ صادر شده است. این قطعنامه که مشتمل بر ۵۱ بند است به متغیرهای مختلف و موثر کمی و کیفی در بحث لزوم رعایت حق بر دسترسی به آب اشاره

1. UN Economic and Social Council, *General Comment No. 15: The Right to Water* (Arts. 11 and 12 of the Covenant), E/C.12/2002/11, UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), 20 January 2003, paragraph 3.

۲. عقیل محمدی و هیوا حاجی ملا، «تعهد دولت‌ها به اجرای فراسرزمینی حق بشر بر دسترسی به آب سالم و بهداشتی»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۱، (۱۴۰۲)، صص ۳۸۷-۴۲۰.

3. *Water and Sanitations Rights Explained*, available at: <https://www.ohchr.org/en/stories/2014/11/water-and-sanitation-rights-explained>.

۴. نیما نصرالهی شهری و سید قاسم زمانی، «بررسی حق بشری دسترسی به آب در پرتو رویه دیوان دآوری ایکسید»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۲، (۱۳۹۹)، صص ۴۴۱-۴۲۳.

نموده است. به نحو خاص بند ۱۰ این سند، موضوع لزوم همکاری دولت‌ها در حوزه آبراه‌های بین‌المللی را مورد اشاره قرار داده است و از دولت‌های غیر عضو در کنوانسیون استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد (نیویورک ۱۹۹۷) تقاضای عضویت نموده است. این سند از طرفی بر ماهیت بنیادین حق بر دسترسی به آب و حق بر سلامت در جهت حفاظت از کرامت انسانی اشاره و به تعبیری تمام یافته‌های فوق‌الذکر را تأیید می‌نماید.^۱ واضح است که بحران منع دسترسی استان سیستان و بلوچستان به حداقل آب مورد نیاز در حوضه هیرمند به دلیل اقدامات توسعه‌ای افغانستان در بالادست این حوضه، از منظر منابع حقوق بشری نقض فاحش به شمار می‌رود که برای درک بهتر این موضوع و مسئولیت حقوق بشری افغانستان، لازم است به تبیین و تحلیل ماهیت حقوقی این تعهدات در چند قالب مجزا پرداخته شود.

۱-۲. ماهیت تعهدات حقوقی برآمده از حق بر دسترسی به آب

پیشتر دریافتیم که موضوع ممانعت از دسترسی به آب، به طور مستقیم منجر به نقض حق بر دسترسی به آب می‌شود که با دیگر حق‌های بشری مانند حق بر سلامت و حق بر استاندارد‌های شایسته زندگی در ارتباط است. از طرف دیگر بحث منع دسترسی به آب می‌تواند در شرایط خاص حتی مانع از تحقق حق بر حیات گردد. اما پرسش اصلی در مورد ماهیت تعهدات برآمده از حق بر آب است. آیا می‌توان تعهدات دولت‌ها نسبت به تأمین حق دسترسی به آب را در زمره تعهدات فرامرزی قلمداد نمود؟ در صورت پاسخ مثبت، بحث منع دسترسی به آب در حوضه یک آبراه فرامرزی در زمره تعهدات به وسیله یا نتیجه است و یا در زمره تعهدات فوری یا تدریجی؟

همواره در ادبیات حقوق بین‌الملل سخن از حاکمیت کامل دولت‌ها و سرزمینی بودن تعهداتشان در میان است^۲ اما به نظر می‌رسد که امروز این رویکرد به عنوان یک دیدگاه کلاسیک با محدودیت‌های جدی روبه‌رو شده است و بحث فراسرزمینی بودن تعهدات

1. European Parliament, "Resolution on Access to Water as a Human Right- the External Dimension", (2022), Available at: https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/TA-9-2022-0346_EN.html.

2. Malcom N. Shaw, *International Law*, 6th Ed, (London: Cambridge University Press, 2008) P. 688.

دولت‌ها، علی‌الخصوص در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه بین‌الملل به میان آمده است. اگرچه موضوع مطروحه با اجرای مضیق اصل حاکمیت در تناقض است اما به نظر می‌رسد که با گذر زمان از جایگاه قابل توجهی در ادبیات حقوق بین‌الملل موضوعه برخوردار شده است. بند ۳ ماده ۱ و مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد از جمله مواد مهمی هستند که بر جهان شمولی حقوق بشر نیز تأکید ویژه‌ای ورزیده‌اند.^۱

ایفای تعهدات ملی حقوق بشری از یک سو و پذیرش جهانشمولی حقوق بشر از سوی دیگر موضوعات متعارضی به شمار می‌روند که به نظر می‌رسد با استناد به بند ج ماده ۵۵ منشور که محمول بر فراسرزمینی بودن تعهدات حقوق بشری دولت‌ها است و همچنین وجود عبارت «اقدامات مشترک و جداگانه» در ماده ۵۶ این تعارض نیز حل و فصل شده است.^۲ علاوه بر این، موضوع ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یکی از مهمترین مواد این سند در میان است که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر شماره ۳ آنرا به نحو تفصیلی تشریح نموده است.

تعهد به همکاری و مساعدت بین‌المللی دولت‌ها در ماده ۲ از میثاق فوق‌الذکر به‌عنوان مهمترین مقوله‌ای است که کمیته مذکور از بطن آن و با استناد به مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد، موضوع فراسرزمینی بودن تعهدات حقوق بشری ایجابی دولت‌ها را استنباط نموده است. به نظر می‌رسد که باید میان دو واژه همکاری و مساعدت نیز تمایز مفهومی در حقوق بین‌الملل قائل شد.^۳ با استناد به نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، واژه همکاری محمول مفهومی گسترده و تعهد عام در ادبیات حقوق بین‌الملل موضوعه است در حالی که اقدامات یکجانبه دولت‌ها که مستلزم درخواست دیگر دولت‌های ذینفع است به‌عنوان مفهوم واژه مساعدت استنباط می‌گردد.^۴ از طرفی عدم تبیین عبارت «صلاحیت سرزمینی» در این ماده از دیگر قرائنی به شمار می‌رود که بر ماهیت فراسرزمینی تعهدات مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌ورزد، وانگهی در این

۱. احسان جاوید و صابر نیاورانی، «قابلیت اجرای فراسرزمینی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۸، شماره ۵۳، (۱۳۹۵)، صص ۱۹۸-۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. همان، صص ۱۷۷-۱۷۸.

۴. همان، صص ۱۷۹-۱۸۵.

مورد می‌توان به اصول ماستریخت^۱ در مورد تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود که به‌رغم ماهیتی غیرالزام‌آور متأثر از مکاتب حقوق طبیعی و پوزیتیویسمی^۲، حاکی از ماهیت فراسرزمینی حقوق بشری نسل دومی هستند. به علاوه با توجه به ویژگی درهم تنیده حقوق بشر، گاهی موجب نقض حقوق بشری بنیادین از جمله حق بر حیات می‌گردند که با عنایت به ماهیت آمره در ما نحن فیه، موضوع فوق به طریق اولی فرامرزی جلوه می‌نماید.^۳ بنابراین حق بر دسترسی به آب که در زمره حقوق بشری ایجابی قرار گرفته است از دو زاویه‌ای که در مورد آنها بحث شد، واجد ماهیت فرامرزی می‌باشد.

برخی این استدلال را مطرح می‌کنند که حق بر دسترسی به آب در برگیرنده موضوع حقایق در حقوق آبراه‌های بین‌الملل نیست اما به واقع تأمین حقایق دولت‌ها از یک آبراه بین‌المللی می‌تواند متضمن رعایت حقوق بشری فرامرزی مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. بنابراین دسترسی به آب علاوه بر حقایق شخصی که در قوانین و مقررات داخلی باید در پی آنها باشیم، در برگیرنده حقایق دولت‌ها از آبراه‌های بین‌المللی نیز هستند. به نحو خاص با مراجعه به بند ۲ تفسیر عمومی شماره ۱۵ کمیته که مبین تعریف حق بر آب آشامیدنی سالم است،^۴ افغانستان با منع گسترده دسترسی دولت پایین‌دستی در حوضه هیرمند به منابع آب، ناقض این حقوق شناخته می‌شود. از طرفی موضوع بنیادین بودن این حقوق در میان است. ماهیت بنیادین بودن حقوق بشر در اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ مورد اشاره و تأیید قرار گرفته است که بر طبق آن، حقوق بشری به هم پیوسته هستند و در نهایت پیش‌شرط رعایت حق حیات به‌عنوان

1. The Maastricht Principles on States Extraterritorial Obligations of States in the Area of Economic, Social and Cultural Rights, (2012).

۲. شهرام زر نشان و سید حسین میرجعفری، «جایگاه پوزیتیویسم حقوقی در ارکان ملل متحد»، مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۸، شماره ۴، (۱۳۹۶)، صص ۷۳۴-۷۱۵.

۳. سیدقاسم زمانی و کاظم غریب آبادی، «تحریم به مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۴۰، (۱۳۹۶)، صص ۱۳۴-۱۱۱.

4. UN Economic and Social Council, General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant), E/C.12/2002/11, op. cit, Paragraph 2.;

عقیل محمدی و هیوا حاجی ملا، همان، ص ۴۰۳.

یک حق بشری آمره به شمار می‌روند و شروط لازم و کافی اجرا و رعایت یکدیگر قلمداد می‌شوند.^۱ بنابراین با استدلالاتی که صورت گرفته، منع دسترسی به آب برای ایران توسط افغانستان در حوضه هیرمند به طریق اولی نیز از ماهیت فرامرزی برخوردار می‌گردد. لازم به ذکر است که اختلاف نظرها در این مورد در گفتارهای بعدی و با تبیین رویه‌های قضایی مرتبط به این حوزه با توجه به نقش توسعه‌ای این منابع، منشعب از ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تشریح و مرتفع می‌گردند. اما این اصل منع تبعیض است که در منابع حقوق بشر برای دولت‌ها واجد تعهدی مطلق در مواجهه با حقوق بنیادین بشر است.^۲ بر این اساس دیگر حق‌های بشری مانند حق بر سلامت و حق بر استانداردهای شایسته زندگی، دولت‌ها را مکلف به تجویز دسترسی بشر به حداقل آب مورد نیاز به عنوان یکی از بنیادهای معیشتی نموده است. منع دسترسی کلی به آب که امروز در حوضه هیرمند شاهد آن هستیم در مقابل این رویکرد قرار می‌گیرد، وانگهی با استدلال فوق‌ماهیت فوری بودن این امر نیز مبرهن است چرا که بنیاد زیست بشری را مانع می‌گردد. این موضوع را اینگونه می‌توان تبیین نمود که دسترسی دولت پایین‌دستی یک حوضه آبریز از جمله هیرمند به آب، حداقلی‌ترین رهیافتی است که می‌توان از آن یاد نمود که در این منظر به شدت فوری به نظر می‌رسد. با این اوصاف، افغانستان هیچگاه نمی‌تواند با استناد به شرایطی چون خشکسالی به عنوان توجیه، خود را از بار مسئولیت تأمین آب حداقلی برهاند چرا که این امر فوری در حداقلی‌ترین حالت خود نیز رعایت نمی‌گردد. این تعهد را می‌توان در قالب تعهدی به نتیجه، فوری و فرامرزی که امروز نقض آن کرامت و حیثیت انسانی را در سیستم و بلوچستان به خطر انداخته ارزیابی نمود.

۳-۱. ارتباط حق بر دسترسی به آب با اصول کلی حقوقی آبراه‌های بین‌المللی
مهم‌ترین منبع در زمینه حقوق آبراه‌های بین‌المللی، کنوانسیون سازمان ملل متحد در حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ موسوم به کنوانسیون نیویورک است. این کنوانسیون حاصل تلاش بیست ساله در کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل

۱. محمد صالح انیسی و همکاران، «الزامات حقوق پیشگیری از ناامنی غذایی در پرتو رویکرد ارزیابی اثرات بر سلامت:

مطالعه موردی شیوع کووید ۱۹»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۴، شماره ۷۷، (۱۴۰۲)، صص ۲۳۵-۲۰۳.

۲. احسان جاوید و صابر نیاورانی، همان، صص ۷۰-۴۷.

متحد است که برای اولین بار رویکردهای مدیریت یکپارچه را در حوضه‌های آبریز فرامرزی مطرح نمود. اگرچه این سند به دلیل عدم حمایت کافی از حقوق بشری همواره مورد انتقاد قرار گرفته است اما دارای یک رهیافت حداقلی در جهت تأمین نیازهای اساسی انسان است که این رهیافت حداقلی بعدها با طرح رسمی حق بر آب آشامیدنی سالم در سازمان ملل متحد متجلی شد.

در واقع قطعنامه ۶۴/۲۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیرامون شناسایی حق بر آب بود که با تصویب آن در سال ۲۰۱۰ مقوله تبیین ارتباط میان حق بر دسترسی به آب و حقوق آبراه‌های بین‌المللی را پراهمیت جلوه داد.^۱ این سند مهم علاوه بر تبیین حق بر دسترسی به آب به عنوان یک حق بشری، مبین آن است که رعایت و حمایت از حقوق بشر به عنوان مسئولیت جهانی تمام دولت‌ها مطرح است و دولت‌ها در این راستا به ماهیت بنیادین حقوق بشر بر مبنای اصول تساوی و عدم تبعیض توجه می‌کنند، بنابراین با وجود ماهیت غیر الزام‌آور سند فوق، دو موضوع مهم مطرح می‌گردد که عبارتند از: جهانی شمردن حق بر آب و ماهیت وجودی آن. به نظر می‌رسد که به سان میثاق دوم حقوق بشر در این سند، دولت‌ها موظف به رعایت و حمایت و اجرای مندرجات آن در آستانه‌های حداکثری و به بیانی در قالب تعهدات به وسیله با توسل به اقدامات مقتضی شده‌اند اما با این حال نمی‌توان وجود رویکرد سلبی را در روح آن انکار نمود چرا که برخی تعهدات مرتبط با آنها در زمره‌ای قرار دارند که ماهیت فوری و بنیادین در جهت رعایت حق‌های بشری اساسی را دارا هستند. بنابراین در واقع نوعی تعهد سلبی و حتی آمره به شمار می‌روند. با توجه به موارد فوق، تفسیر حقوق بشری کنوانسیون نیویورک با استناد به مواد مختلف مندرج در آن قابل توجه هستند.

به واقع این تبیین موضوع مالکیت بر آبراه‌های بین‌المللی در بند ۱ ماده ۳ و همچنین ماده ۵ کنوانسیون نیویورک از طریق ذاتی قلمداد نمودن حقوق آنها^۲ است که دولت‌های عضو را ملزم به لحاظ نمودن شرایط اجتماعی و معیشتی اشخاص ذینفع یک آبراه بین‌المللی

1. United Nations General Assembly, "Resolution on Recognizing Access to Clean Water, Sanitation as Human Right", (2010), Available at: <https://press.un.org/en/2010/ga10967.doc.htm>.

2. Right to Utilize the Watercourse.

در روابط آبی بین‌المللی نموده است و به این ترتیب حق بر دسترسی به آب را می‌توان از همین ماده کنوانسیون استنباط نمود. به بیان دیگر این استدلال از ذاتی قلمداد نمودن حقوق مندرج در سند فوق و همچنین وجود مالکیت مشترک بر آبراه‌های بین‌المللی استنباط شده است. همچنین این امر را می‌توان از تئوری منافع مشترک و حق انتفاع مشترک تمام دولت‌های ساحلی در هر حوضه آبریز بین‌المللی استنباط نمود و به تعبیر دیگر از این اجزا می‌توان به موضوع مالکیت مشترک تمام دولت‌های ساحلی در حوضه‌های آبریز بین‌المللی به‌عنوان یک حق ذاتی و غیرقابل سلب رسید.^۱ این موضوع زمانی مورد تأکید بیشتر قرار گرفته است که موضوع توجه به نیازهای اساسی انسان در ماده ۱۰ و در راستای اجرای اصل عرفی استفاده معقول و منصفانه مطرح شده است.

ماده ۱۰ کنوانسیون به وجود ارتباط مستقیم میان حق بر آب و حقوق بنیادین بشر و حقوق آبراه‌های بین‌المللی تصریح می‌نماید و به‌رغم عدم اشاره مستقیم به لزوم رعایت و حمایت حقوق بشر در این حوزه، مفهوم به نحوی متبادر می‌گردد که اجرای اصل عرفی فوق با حقوق بشری در هم تنیده شده است لذا دور از ذهن نیست که میان انتفاع از آبراه‌های بین‌المللی و تأمین نیازهای اساسی و بنیادین بشر ارتباطی قائل شد.^۲

به واقع تبیین فاکتورهای اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه در ماده ۶ کنوانسیون، خیل گسترده‌ای از نیازهای اساسی بشر را تأمین می‌کند. با توجه به بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون و ماده ۲۹ این سند، رعایت حق‌های بشری به نسبت سایر تعهدات در حوزه حقوق آبراه‌های بین‌المللی در اولویت قرار گرفته است.^۳ بنابراین مبرهن است که در این سند و در اجرای اصل عرفی فوق الذکر، ارتباط نزدیکی با حقوق بشر وجود دارد، وانگهی اصل استفاده معقول و منصفانه امروز به‌عنوان یک اصل عرفی در حقوق آبراه‌های بین‌المللی شناخته می‌شود و بر تمام ذینفعان آبراه‌های بین‌المللی لازم الاجراست. به بیانی می‌توان اینگونه استدلال نمود که رعایت حقوق بشر با رویکرد سلبی و حمایت و ایفای تعهدات حقوق

1. Stephen C McCaffrey, *The Law of International Watercourses*, 3rd Edition (London: Oxford Publication, 2020) pp 138-144.

2. Antoinette Hildering, "The Impact of a Human Right to Water on the Sustainable Balance of Water Uses Under the UN Watercourses Convention", *Utrecht Law Review*, Vol. 16, No. 2, (2020), pp 7-17.

3. Nehaluddin Ahmad, "Human Right to Water Under International Law Regime: an Overview", *Commonwealth Law Bulletin*, Vol. 46, No. 3, (2020), pp 415-439.

بشری با رویکرد ایجابی شروط لازم اما ناکافی اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه هستند. جالب توجه است که حتی دولت ترکیه پس از سال‌ها مناقشه آبی در حوضه دجله و فرات پیرامون پروژه گاپ در عین حجم بسیار گسترده سدسازی و محدودسازی قابل توجه حقا به دولت‌های پایین دست، همواره بر لزوم لحاظ حقوق بشر در اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه تأکید نموده است^۱ و این در حالی است که ترکیه به عضویت هیچ یک از معاهدات مهم در حوزه حقوق آبراه‌های بین‌المللی در نیامده است. لازم به ذکر است که رویکرد کنوانسیون نیویورک در مورد اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه بدین صورت است که می‌بایست تا مدیریت یکپارچه در هر آبراه بین‌المللی صورت بگیرد لذا حقوق اساسی بشر نیز به صورتی یکپارچه اجرا می‌گردد. البته در این مورد خلأ مهم آن بود که دامنه تعهدات معاهده فقط بر ذمه اعضا جاری می‌شد که بعدتر در ماده ۶ سند اهداف توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰) دایره شمول این امر گسترده شد و با تبیین عبارت آب برای همه، موضوع از انحصار دول ساحلی در آبراه‌های بین‌المللی خارج و بر تمام دولت‌ها مترتب گردید.^۲

به هر روی با عنایت به ماهیت عرفی^۳ اصل استفاده معقول و منصفانه و بیان صریح کنوانسیون نیویورک در مفاد و نحوه اجرایی شدن آن که پیشتر بدان‌ها اشاره شده است، واضح است که افغانستان ملزم به اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه در حوضه آبریز هیرمند است. حتی اگر متغیرهای مذکور در کنوانسیون نیویورک در مورد اصل فوق را عرفی قلمداد نکنیم، به نظر می‌رسد که دولت بالادستی نمی‌تواند بدون لحاظ حقوق بنیادین مالکان آب در پایین دست هیرمند به تحدید گسترده حقا به اقدام نماید. امروز نقض اصل عرفی استفاده معقول و منصفانه در بالادست مبرهن است. شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم در سیستان و بلوچستان تحت تأثیر نقض اصل فوق به شدت تنزل یافته است از طرفی با

1. Aysegul Kibaroglu, "An Analysis of Turkey's Water Diplomacy and Its Evolving Position vis-à-vis International Water Law", *Water International*, Vol. 40, No. 1, (2015), pp158-19.

2. United Nations, "The 2030 Agenda and the Sustainable Development Goals: An Opportunity for Latin, America and the Caribbean", (2018), available at: www.UN.org.

3. Philine Wehling, *Nile Water Rights an International Law Perspective* (Springer, Berlin: 2020) pp 32-45.

گسترده‌تر شدن بحران ناشی از اقدامات دولت بالادست، شرایط به نحوی رقم خورده است که حیات مردم وابسته به هیرمند در پایین دست به خطر افتاده است.

۲. لزوم تأمین حقابه هیرمند از منظر حقوق بشر

امروز طالبان که در شرایط کنونی، حکومت افغانستان را در دست گرفته‌اند^۱، به‌رغم آنکه خود را متعهد به معاهده ۱۹۷۳ می‌داند اما در عمل رفتاری متناقض در پیش گرفته است که خود به خود تداعی‌گر سیاست هیدروهمزمن دوره اول ظهورش در افغانستان است. این گروه در ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در پاسخ به سخنان رئیس‌جمهور ایران مبنی بر تأمین حقابه ایران مطابق معاهده هیرمند و به‌رغم وجود تصاویر ماهواره‌ای متناقض به موضوعاتی چون خشکسالی و شرایط غیرطبیعی آبی و اقلیمی استناد کرد. در بیانیه صادره از سوی طالبان آمده است که به دلیل گرمای هوا، امکان جاری‌سازی آب به طرف بند کمال‌خان وجود ندارد و خواست مکرر ایران برای آب زیان‌آور ارزیابی می‌شود.^۲ این در حالی است که مطابق معاهده هیرمند، حتی به فرض وقوع خشکسالی، طرف افغانستان حق عدم پرداخت حقابه ایران را ندارد بلکه طرفین باید مطابق مقررات این سند، حقابه معین شده را در شرایط خشکسالی تعدیل نمایند.^۳

افزون بر این، شواهد حاکی از آن است که سازه‌های آبی متعدد افغانستان در حوضه آبریز هیرمند و نه تغییرات اقلیمی و خشکسالی طبیعی، عامل اصلی عدم تحویل به موقع آب به ایران هستند. چنان‌که در سال ۲۰۲۳ جریان ورودی آب هیرمند به کشور ایران در اثر احداث و تکمیل سدها و کانال‌های آبی متعدد و انحراف آب توسط افغانستان به نحوی کاهش یافته است که حیات ساکنان استان سیستان و بلوچستان را مورد تهدید بسیار جدی قرار داده است و این موضوع از منظر تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در قبال جامعه

۱. ستار عزیزی، «شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۷۰، (۱۴۰۰)، صص ۲۲-۷.

۲. اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در پیوند به اظهارات اخیر رئیس‌جمهور ایران، تابناک، (۱۴۰۲)، قابل دسترسی در سایت خبرگزاری تابناک، www.tabnak.ir.

۳. معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان، (۱۳۵۲).

بین الملل قابل تأمل است.^۱ مبرهن است که هیرمند به عنوان شاهرگ حیاتی استان سیستان و بلوچستان نقش مهمی را در تأمین آب جهت معیشت و حیات ساکنان این منطقه ایفا می نماید علی الخصوص زمانی که غالب جمعیت این استان را بافت روستایی تشکیل می دهد. این موضوع به معنی آن است که جمعیت سیستان و بلوچستان عمدتاً معیشتی مبتنی بر کشاورزی و دامداری دارند،^۲ بنابراین آب به عنوان یک عنصر بسیار تأثیرگذار در حیات آنان محسوب می گردد. در همین راستا به نظر می رسد که دولت افغانستان با مرکزیت کنونی گروه طالبان به صورت واضح، اقدام به نقض حقوق بشر در ابعاد بسیار گسترده در قبال جمعیت پایین دست حوضه آبریز هیرمند می نماید. از این رو شایسته است در معاهده هیرمند به عنوان مهم ترین سند حقوقی الیزام آور میان طرفین به تبیین رویکرد حقوق بشری حقایق ایران پرداخته شود و سپس رویه قضایی موجود در این زمینه تحلیل گردد. لازم به اشاره است که اگرچه آرای دیوان بین المللی دادگستری فقط نسبت به طرفین دعوا الزام آور است اما بنای قیاس قضایی و رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری مبین آن است که استدلالات اصلی و جنبی دیوان در آرای قضایی گذشته می توانند به عنوان استدلالات قضایی اصلی در آرای جدید به شمار روند.^۳ این امر ابتدا موضوع اختلاف میان مواد ۳۸ و ۵۹ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری را مطرح می کند.

ماده ۳۸ مبین منابعی است که دیوان در آرای خود بدانها استناد می ورزد در حالی که ماده ۵۹ مبین اثر نسبی آرای ترافعی در دیوان، نسبت به طرفین اختلافات بین المللی است. بنابراین رویه دیوان با عنایت به کارکرد توسعه ای آن در حقوق بین الملل، استناد به آرای سابق و حتی آرای دیوان دائمی دادگستری بین المللی را تجویز نموده است. به بیان دیگر در این موارد شأن رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری نه تنها شخصی نیست بلکه

۱. سید اسداله اطهری و همکاران، «بررسی میدانی تأثیر سیاست های آبی افغانستان بر منطقه سیستان»، مجله پژوهش های جغرافیای سیاسی، شماره ۳، (۱۳۹۹)، صص ۸۹-۱۰۹.

۲. نوبهار و کبیری رنانی، همان، ص ۱۸۹.

۳. سیدقاسم زمانی و سوده شاملو، «نسبیت احکام دیوان بین الملل دادگستری در نظر و عمل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین المللی، شماره ۱۶، (۱۳۹۱)، صص ۴۵-۵۵.

به عنوان قواعد حقوقی، نوعی به شمار می‌رود.^۱ با این پیش‌زمینه به تبیین و تحلیل آرای صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در این حوزه می‌پردازیم. اگرچه نمی‌توان به نحو مستقیم، قواعد حقوقی منشعب از این آرا را به عنوان ضمانت اجرای حقوقی در موضوع جستار حاضر قلمداد نمود اما تبیین آنها زمینه‌ساز استدلال‌های مرتبط در مجامع بین‌المللی، علی‌الخصوص نهادهای حقوق بشری است که در گفتارهای بعد تبیین می‌پذیرند.^۲

۱-۲. فراسرزمینی بودن حق بر دسترسی به آب در معاهده آب رود هیرمند

معاهده ۱۹۷۳ رود هیرمند، تنها و مهمترین سندی است که به نحو خاص در حوزه مدیریت آب هیرمند پس از دوره طولانی از مناقشات فراوانی میان ایران و افغانستان به امضا رسید. این سند در ماده ۲ موضوع تخصیص حقایق به ایران را به نحو کمی مدنظر قرارداده است و اصولی چون حاکمیت، حسن همجواری، همکاری، اطلاع‌رسانی و منع ایراد فرامرزی نیز از آن متبادر می‌گردند. در منطوق ماده ۵ معاهده، این چنین سخن به میان آمده است؛ افغانستان اقدامی نمی‌کند که ایران را از حقایق قانونی خود در حوضه هیرمند محروم سازد و این در حالی است که شق دوم همین ماده بر حاکمیت دولت بالادست بر هیرمند تأکید می‌ورزد.

به کارگیری اصولی چون استفاده معقول و منصفانه و منع آسیب فرامرزی را به آسانی می‌توان در مفهوم و روح این ماده مشاهده نمود، وانگهی ماده ششم این سند نیز با تأکید بر اصول فوق‌الذکر که امروز در ادبیات حقوق آبراه‌های بین‌المللی به عنوان منابع عرفی مکمل شناخته می‌شوند، در زمینه منع آلودگی زیست‌محیطی این حوضه فرامرزی به تبیین احکام قانونی پرداخته است. در این مورد نیز می‌توان به نحوی کلی با تفسیر مواد شماره ۲، ۵، ۶ و ۷ معاهده رود هیرمند اینگونه نتیجه گرفت که در مورد حقایق شرب و کشاورزی در نظر گرفته شده برای کشور ایران، حق بر دسترسی به آب، واجد ماهیتی فرامرزی شده است که حتی لزوم اتخاذ اقدامات مقتضی نیز تا حدی مورد اشاره قرار گرفته است. در ادامه ماده ۹ معاهده است که به نوعی می‌توان آنرا قوای الزام‌آور این سند قلمداد نمود و

۱. علیرضا ظاهری، تحلیل محتوای آرا و احکام قضایی و داورى بین‌المللی، چاپ اول (تهران: خرسندی، ۱۳۹۷) ص ۱۴۶.

۲. همان، صص ۱۴۸-۱۴۶.

به بیان دیگر وجود این ماده است که به عنوان ضمانت اجرا، صلاحیت شکلی و ماهوی ارجاع هرگونه اختلاف ناشی از نقض معاهده را به مراجعی چون داوری اعطا نموده است. اما پرسش اصلی این است که با وجود ماده ۱۰ از این سند، چه ضمانت اجرایی را می توان در زمینه نقض حقوق بشر از معاهده حاضر استنباط نمود. این ماده در مفاد معاهده مذکور، قید محض را به میان آورده است و به نحوی حصری تمام اصول حقوقی و رویه های قید نشده در این سند را از دایره شمول خارج نموده است. این در حالی است که در زمان انعقاد این سند حق بر دسترسی به آب به عنوان یک حق بشری، و جاهت رسمی فرامرزی امروز خود را نیافته بود. در پاسخ به نظر می رسد که امروز نقض حق دسترسی به آب در حوضه هیرمند نقض روح و هدف آن معاهده به شمار آید.

پیشتر در مورد تبادر اصولی چون استفاده معقول و منصفانه و لاضرر در این معاهده سخن به میان آمد و می دانیم اصول مذکور از مهمترین قواعد عرفی این رژیم حقوقی قلمداد می گردند. از طرف دیگر نیز موضوع رابطه طولی میان ماده ۱۰ کنوانسیون نیویورک و مواد ۵ و ۶ آن در میان است. به بیان دیگر امروز شأن اجرایی، حمایتی و رعایتی حقوق بشر و در رأس آن حق دسترسی به آب به مراتب از اصول ذکر شده در معاهده آب رود هیرمند بالاتر است، وانگهی در این مورد می توان به بندهای شماره ۱۱۱ و ۱۱۲ رأی قضیه گابچیکو ناگیماروس اشاره نمود. دیوان در خلال رأی مذکور با استناد به کنوانسیون حقوق معاهدات وین، اقدام به اظهارنظر در باب تفسیر معاهدات می نماید. ماحصل موضوع آن است که دیوان بیان می دارد، تفسیر معاهدات زیست محیطی متناسب با وقایع و وضعیت زمان خود صورت می پذیرند، لذا نمی توان با استناد به وضعیت های سابق به تفسیر معاهدات در وضعیت لاحق پرداخت. با تسری این امر به وضعیت آبی امروز حوضه هیرمند و معاهده آب رود هیرمند نیز می توان به این نتیجه رسید که امروز احترام و رعایت حق دسترسی بر آب در حوضه هیرمند امری الزامی است. بنابراین نمی توان با تفسیری ابتدایی از معاهده مذکور، تعهدات فوق الذکر را در نظر نگرفت.^۱ لکن این تمام موضوع نیست چرا که با در نظرگیری رویکرد سلبی اجرای حق بر سلامت در ادبیات حقوق بین الملل بشر در نهایت به موضوع لزوم رعایت حق بر حیات در این مسیر می رسیم که به نوعی ماهیت حقوقی

1. Gabcikovo-Nagymarous Project (Hungary/Slovakia), Judgment, ICJ reports (1997), p. 111, 112.

آمره یافته است^۱ و به نحو کلی بر تمام مفاد معاهده حاکم می‌گردد و نهایتاً ماده ۱۰ معاهده آب رود هیرمند را فاقد وجاهت و اعتبار حقوقی بین‌المللی جلوه می‌دهد. با این اوصاف اگرچه از حقوقی چون حق بر سلامت و حق بر دسترسی به آب که هر دو واجد ماهیتی فرامرزی هستند در معاهده آب هیرمند سخن به میان نیامده است، اما باید آنها را در زمره مفاد مفهومی این معاهده به عنوان تعهدات لازم‌الاجرای طرفین قلمداد نمود. در این صورت است که ضمانت اجرای معاهده حاضر در قبال نقض این حقوق در حوضه هیرمند واجد کارایی قابل توجهی می‌گردد، بنابراین اقداماتی که امروز در تحدید قابل توجه حقبه کشور صورت گرفته از این منظر نیز قابل بررسی است.

۲-۲. فراسرزمینی بودن حق بر دسترسی بر آب در رویه قضایی بین‌المللی
آب مقوله‌ای است که از دیرباز منشأ بسیاری از مرافعات قضایی بین‌المللی میان دولت‌ها بوده است. بروز این مرافعات و همچنین توجه به جایگاه اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در جامعه بین‌الملل موجب صدور آرای قضایی بین‌المللی متعددی در این عرصه شده‌اند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به آرای چون *گابچیکو ناگیماروس*، *کارخانه‌های خمیر کاغذ*، *احداث جاده ساحلی در طول رود سن خوان* و *قضیه رود سیلالا* اشاره نمود. شایان ذکر است که رویه قضایی در این عرصه گاهی مبین منابع بسیار مهمی بوده است. در همین راستا اشاره به حق بر دسترسی به آب در رویه قضایی بین‌المللی از این امر مستثنی نبوده به نحوی که جوانب متعدد آن در قضایا و آرای متعددی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری بررسی شده است که در ادامه به تفصیل تشریح می‌گردند. به نظر می‌رسد با رجوع به رویه قضایی بین‌المللی بتوان موضوعاتی چون ماهیت فرامرزی و لازم‌الرعايه این حق بشری بنیادین را در حوزه آبراه‌های بین‌المللی استنباط نمود. به بیان دیگر دیوان بین‌المللی دادگستری بنا بر نقش توسعه‌محوری که در جامعه و حقوق بین‌الملل دارد گاهی در آرای خود به تصریح موضوعاتی پرداخته است که در نهایت می‌توان قواعد

1. Anthony, D'Amato, "It's a Bird, It's a Plane, It's Jus Cocens!", Faculty Working Papers, Paper 61, (2010), available at: <http://scholarlycommons.law.northwestern.edu/facultyworkingpapers/61>.

حقوقی مهمی را از طریق قیاس و استدلال در آنها یافت^۱ که قابل تسری به موضوع جستار حاضر هستند.

دیوان به صراحت در بند ۱۱۲ رأی مشورتی قضیه دیوار حائل، بحث سرزمینی بودن تعهدات حقوق بشری مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد تردید قرار داده و دامنه اجرای تعهدات حقوق بشری را فراتر از سرزمین دول عضو میثاق مذکور قلمداد کرده است.^۲ از طرفی بررسی رأی قضیه فعالیت‌های نظامی کنگو نیز حاکی از آن است که دیوان بر همین مورد تأکید نمود.^۳ اگرچه تبیین صلاحیت سرزمینی و تعهدات حقوق بشری خارج از قلمرو هر دولت در این رأی نوعی شبهه را در مورد تعهد به رعایت فرامرزی حقوق بشر از جمله حق بر آب در یک آبراه بین‌المللی به وجود می‌آورد اما به نظر می‌رسد که دولت‌های ساحلی در یک آبراه بین‌المللی بر مبنای موضوع صلاحیت سرزمینی و اعمال حاکمیت و در راستای رعایت اصل عرفی استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، مکلف به رعایت حق بر آب در قبال دیگر دولت‌های ساحلی هستند که در این مورد می‌توان به رأی قضایای تریل اسملتر^۴ و کانال کورفو^۵ نیز رجوع نمود.^۶ در عین حال رعایت حق بر دسترسی به آب با رویکردی سلبی، منجر به رعایت حق بر سلامت است که در نهایت بنیاد رعایت حق بر حیات نیز به شمار می‌رود که جمیع این موضوعات و بند ۲۹ رأی مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای نیز موضوع فرامرزی بودن این حق بشری را تثبیت می‌کنند.^۷ مفهوم این بند نیز مبین آن است که آب به عنوان یک نیاز اساسی برای سلامت بشر و حفاظت از محیط زیست مقوله‌ای کاملاً فرامرزی است.

۱. علیرضا ظاهری، همان، صص ۱۵۰-۱۴۶.

2. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ Reports (2004), p.112.

3. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, ICJ Reports, (2005), p.216-217.

4. Trail Smelter Case, April 16th and March 11th, (1941), p 1965.

5. Corfu Channel Case Judgment of December 15th, (1949), I.C.J Reports 1949, p.22.

۶. احسان جاوید و صابر نیاورانی، «قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۱، (۱۳۹۲)، صص ۶۳-۶۲.

7. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports (1996), P.29.

به نظر می‌رسد که با استناد به این آراء، امروز ماهیت فرامرزی حق بر دسترسی به آب به‌عنوان یک قاعده حقوقی بر کسی پوشیده نمی‌باشد، وانگهی بنا بر تقدیمی که در حقوق آبراه‌های بین‌الملل در جهت اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه به مقوله حق بر آب اعطا شده است، می‌توان ماهیت فرامرزی حق بر آب را در مدیریت یکپارچه یک حوضه آبریز فرامرزی متبادر نمود. جالب توجه است که دیوان در رأی قضیه سیلالا در سال ۲۰۲۲، اصل استفاده معقول و منصفانه را در زمره قواعد و اصول عرفی حقوق بین‌الملل قلمداد نموده است. ادبیات دیوان در این رأی به نحوی است که غالب قواعد کنوانسیون نیویورک در زمره عرف بین‌الملل قرار گرفته‌اند. بنابراین به ماده ۱۰ کنوانسیون نیویورک که با رهیافت حداقلی، رعایت حقوق بشر در اجرای اصل فوق‌الذکر را الزامی به شمار آورده است، استناد می‌شود. همچنین دیوان در بند ۸۳ از رأی مذکور سه موضوع مهم را تبیین نموده است که مشتمل بر عرفی بودن اصل لاضرر، الزام به اتخاذ اقدامات مقتضی و ماهیت به وسیله تعهد دولت‌ها در این زمینه هستند و به نظر می‌رسد حق بر دسترسی به آب به‌عنوان نقطه همپوشانی این سه نکته به شمار می‌رود که البته بیشتر با رویکرد ایجابی در نظر گرفته شده است.^۱ لازم به ذکر است که استناد به بند ۲۹ رأی مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای از جمله مبانی استدلال‌ات مذکور در رأی سیلالا به‌شمار می‌رود. در این میان استناد به رأی کمیته حقوق بشر در دعوای مطروحه علیه اروگوئه بسیار پراهمیت به شمار می‌رود. کمیته در این رأی و در تفسیر ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد مسئولیت دولت‌های عضو به نوعی سخن به میان آورده است که هر عضو را از نقض تعهدات ناشی از میثاق در قلمرو عضو دیگر منع نموده است،^۲ وانگهی دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی قضیه لوئیزیانو علیه کشور ترکیه در سال ۱۹۹۵ بر فراسرزمینی بودن مسئولیت‌های ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأکید ورزیده است. با این تفاسیر

1. Dispute Over the Status and Use of the Waters of the Silala (Chile V. Bolivia), Judgment, ICJ Reports (2022), p.

2. Lopez Burgos V. Uruguay, Communication no 52/1979, UN Doc CCPR/C/13/D/52/1979, IHRL 2796 (UNHRC 1981), 29th July 1981, United Nations: Human Rights Committee [CCPR], p 62.

می‌توان حق بر دسترسی به آب را به نحو قطعی واجد ماهیت فرامرزی قلمداد نمود و آنرا به‌عنوان یک قاعده حقوقی کلی ناشی از رویه قضایی بین‌المللی برشمرد.^۱

لازم‌الرعايه بودن حق بر دسترسی به آب مقوله دیگری است که به نظر می‌رسد دیوان بین‌الملل دادگستری آنرا به‌عنوان قاعده حقوقی در قالب آرا تشریح نموده است. به نظر می‌رسد که دیوان با استفاده از عبارت حق بر استفاده معقول و منصفانه دولت‌ها و اتباع ساحلی موجود در حوضه‌های آبریز آبراه‌های بین‌المللی بر لازم‌الرعايه بودن حق بر آب در قالب کنوانسیون نیویورک تأکید کرده است. سرآغاز بند ۱۷ و بند ۵۳ رأی قضیه گابچیکو ناگیماروس دقیقاً مبین همین امر است.^۲ بند ۱۷ از رأی مذکور، نقش اساسی رودخانه دانوب را در معاش اتباع ساحلی مد نظر قرار داده است. به نظر می‌رسد که دیوان در این رأی با رهیافتی حداقلی و رویکردی سلبی بر لازم‌الرعايه بودن حق بر آب تأکید نموده است. از طرفی بیان صریح بند ۵۳ دیوان در مورد حق بر آب، حیات، سلامت و محیط زیست، موضوع فوق را به‌عنوان تعهد عام‌الشمول تأیید نموده است. در این میان اهمیت رأی قضیه کارخانه خمیر کاغذ نیز انکارناپذیر است. موضوع لازم‌الرعايه بودن حق بر آب در بند ۱۷۴ و ۱۷۵ از رأی مذکور به سهولت استنباط می‌شود.^۳ دیوان در استدلال‌ات اصلی رأی مذکور رعایت و اجرای حقوق بشری را مقدم بر اجرای اصل استفاده معقول و منصفانه قلمداد می‌کند که به‌عنوان مبنای اصل لاضرر نیز به شمار می‌روند. از طرف دیگر در بند ۱۷۷ از همین رأی به اصل توسعه پایدار و لزوم حرکت دولت‌ها با مد نظر قرار گرفتن منافع همه دولت‌های ساحلی در یک حوضه آبریز فرامرزی اشاره شده است که همگی حاکی از لزوم توجه به الزامات حق بر دسترسی به آب در حوضه‌های آبریز بین‌المللی هستند.^۴ مرور ادبیات رویه قضایی بین‌المللی می‌تواند کاشف ماهیت فرامرزی و لازم‌الرعايه حق بر آب در جامعه بین‌المللی باشد، وانگهی تعهدات دول

1. European Court of Human Rights, Case of Loizidou V. Turkey (Preliminary Objections), 1995, p. 62, available at: [https:// hudoc. echr. coe. int/ fre# %22itemid%22:%22001-57920%22](https://hudoc.echr.coe.int/fre#%22itemid%22:%22001-57920%22)].

2. Gabčíkovo-Nagymaros project (Hungary/Slovakia), Judgment, ICJ reports (1997), p. 17, p. 53.

3. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, ICJ Reports (2010), P. 174, p. 175.

4. Ibid. at 177.

عضو در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دول ایران و افغانستان نیز از اعضای آن به شمار می‌روند مبین این امر مهم می‌باشد به خصوص در جایی که اعضا متعهد به همکاری‌های بین‌المللی منجر به توسعه شده‌اند. در حالی که آرا و کارکرد توسعه‌ای دیوان بین‌الملل دادگستری کاشف ماهیت فراسرزمینی تعهد دولت‌ها نسبت به حق بر آب است، امارت اسلامی طالبان با بی‌التفاتی و به نحوی بی‌پروا نسبت به آنها اقدام به تحدید حقایق بنیادین دولت پایین دست نموده است. اگرچه رویه قضایی در زمره منابع اصلی حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌گردد اما به نظر می‌رسد که در این قضیه خاص و با عنایت به موارد فوق، موضوعی قابل استناد و پر اهمیت در نزد مراجع بین‌المللی باشد.

۳-۲. حق بر دسترسی به آب در بعد فرامرزی و لزوم انجام اقدامات مقتضی موضوع حق بر دسترسی به آب در این جستار از دو منظر مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: رهیافت‌های حداقلی و رهیافت‌های حداکثری. رهیافت‌های حداقلی، همان تعهدات فوری و به نتیجه‌ای قلمداد می‌شوند که به نحو مستقیم با حق‌های اساسی بشر از جمله حق بر حیات در ارتباطی مستقیم هستند و نهایتاً سلبی به شمار می‌روند. این در حالی است که ماهیت تعهدات در رهیافت‌های حداکثری و در جهت تحقق، تعهد به وسیله و تعهد تدریجی جلوه می‌نماید. به بیان دیگر در این گونه تعهدات، سخنی از حق‌های اساسی بشری به میان نیست و مراد اصلی از وجود آنها، توسعه بشری در ابعاد مختلف است. در مورد تعهدات اخیرالذکر موضوع لزوم ایفای اقدامات مقتضی در میان است. وانگهی در این پژوهش با تشریح حق بر دسترسی به آب به عنوان تعهد حقوق بشری فرامرزی، مقوله تکالیف دولت‌ها به انجام اقدامات مقتضی نه تنها در ابعاد ملی و داخلی بلکه در ابعاد فرامرزی واجد اهمیت بسیار است؛ به خصوص در جایی که پیرامون یک آبراه فرامرزی، بررسی‌های مرتبط صورت می‌پذیرد که در ادامه به تفصیل، تبیین و تحلیل می‌شود.

امروز در نظام حقوق بین‌الملل بشر، حق دسترسی به آب از توابع حق بر سلامت احتساب می‌گردد. ماده ۵۵ منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از جمله اسناد حقوقی مهمی هستند که بر تعهد دولت‌ها در این زمینه تأکید دارند. ضمن اینکه استنباط تعهد دولت‌ها به احترام، حمایت و اجرای حق دسترسی بر آب با استناد به این اسناد چندان دشوار جلوه نمی‌نماید. از طرفی با استناد به

بند ۱ ماده ۲ میثاق فوق الذکر و همچنین تفسیر عمومی شماره ۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد ماهیت تعهدات دول عضو، وجود دو آستانه حداقلی و حداکثری در اجرای تعهدات قابل تسری به حق بر سلامت مبرهن است. از جمله خلاهایی که امروز در نظام حقوق بین الملل بشر واضح به نظر می رسد، عدم تبیین و تفسیر رهیافت حداقلی حق بر دسترسی به آب است. به بیان دیگر مستنبط از ماده ۱۰ کنوانسیون نیویورک و مندرجات میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت ها در مقوله رعایت حق بر دسترسی به آب به عنوان یک تعهد فرامرزی در یک حوضه آبریز بین المللی وظایف مهمی را بر ذمه دارند که دارای ماهیتی فوری و مستلزم به کارگیری حداکثری منابع و اقدامات مقتضی است. امروز نقض فاحش تمام این تعهدات در حوضه آبریز هیرمند تا سرحد سلب حق حیات ساکنان وابسته در پایین دست رسیده است. در این مورد می توان گفت حق بر دسترسی به آب در قالب یک تعهد فرامرزی در آستانه حداقلی خود در حوضه هیرمند رعایت نمی شود. فلسفه وجودی این آستانه حداقلی در راستای رعایت حق بر سلامت و دسترسی به آب، حمایت از ذات و کرامت انسانی است هرچند کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی دسترسی به ضروریات معیشتی و آب آشامیدنی را در زمره تعهدات حداقلی دولت ها در رعایت حق بر سلامت قرار داده است. در این مورد، ماهیت تعهد فرامرزی و فوری به نظر می رسد اما مفاد آن به نحوی کامل و شایسته تشریح نشده است. از طرف دیگر با آستانه یا رویکرد حداکثری احترام، رعایت و تحقق حق بر سلامت و حق بر دسترسی به آب روبه رو هستیم. در این مورد، ماهیت آنها تعهد به وسیله و تدریجی است. دولت ها معمولاً به دلیل کمبود منابع در تأمین حقوقی چون حق بر سلامت با مشکلاتی روبه رو می گردند که میثاق با طرح موضوع مساعدت های بین المللی به ارائه راهکار در جهت حل این مشکلات پرداخته است.^۱ البته این امر به معنای براءت دولت های مذکور از تعهدات خود نیست، به این صورت که موضوع الزام به انجام اقدامات مقتضی دارای قید تناسب است. در این مورد دولت ها موظفند تا در راستای احترام و رعایت تعهدات حقوق بشری خود، متناسب با ظرفیت هایی که دارند حداکثر تلاش خود را در

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Article 2, Paragraph 1, (1966).

جهت توسعه تدریجی جوامع صورت دهند.^۱ به نظر می‌رسد که مقوله اقدامات مقتضی در حوزه آبراه‌های بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای نیز برخوردار است. به بیان دیگر می‌توان این مقوله را به‌عنوان ابزار ایجاد توازن میان اصول استفاده معقول و منصفانه و لاضرر برشمرد، هرچند می‌توان آنرا به‌عنوان اساس مبانی شکلی حقوق آبراه‌های بین‌المللی از جمله اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و ارزیابی اثرات بر سلامت، اصل تبادل اطلاعات فنی به نحو فرامرزی در مراحل پیش از بهره‌برداری و احداث سدها و در راستای توجه به اصولی چون پیشگیری و احتیاطی بر شمرد که با عنایت به فرامرزی بودن حق بر دسترسی به آب باید مورد توجه قرار گیرند.^۲ در حوضه آبریز هیرمند از زمان احداث سدهای کجکی و کمال‌خان نیاز به انجام این اقدامات احساس شد. به‌رغم پیش‌بینی موضوعاتی چون تبادل اطلاعات فنی، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و پایش شرایط آبی این حوضه آبریز در معاهده مرتبط با آن به نظر می‌رسد که این اقدام در سالیان اخیر علی‌الخصوص پس از تغییرات سیاسی در کشور بالادستی و روی کار آمدن مجدد طالبان به نحو قابل قبول صورت نپذیرفته است به علاوه اینکه در مورد احداث سدهای اشاره شده و طرح‌های آبی توسعه‌ای، دولت بالادست هیچ گزارشی دال بر انجام اقدامات مقتضی و متناسب در جهت رعایت و احترام به تعهدات حقوق بشری عرفی و فرامرزی خود از جمله حق دسترسی به آب ارائه نکرده است. به نظر می‌رسد که سازوکارهای منشور محور و معاهده محور رعایت و احترام به حقوق بین‌الملل بشر در این راستا واجد کارایی مهمی باشند که در مقام جمع‌بندی به تشریح آنها پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

با گذر زمان همواره بر اهمیت آب و دسترسی بشر به آب افزوده می‌شود و این موضوع نیز در حوضه آبریز هیرمند انکارناپذیر است. امروز حیات، کرامت و معیشت ساکنان در سیستان و بلوچستان به آب هیرمند گره خورده است که دولت افغانستان با محروم‌سازی

1. Samantha Besson, "Due diligence and extraterritorial Human Rights Obligations-Mind the Gap!", ESIL Reflections, (2020), pp 2-3.

2. Malgosia Fitzmaurice, "Due Diligence in the Use of International Watercourses", Oxford Online Pubs, (2021), available at: <https://academic.oup.com/book/39708/chapter-abstract/350385293?redirectedFrom=fulltext>.

آنان از این حق بنیادین و طبیعی، زمینه‌ساز ایجاد بحران بزرگ انسانی-امنیتی شده است. این پژوهش این بحران را در قالب تعهدات حقوق بشری دولت‌ها و در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده است. در این مورد، نقض فاحش حق بر دسترسی به آب با وجود ماهیت‌های فرامرزی و لازم‌الرعا‌یه در حوضه آبریز هیرمند و از جانب افغانستان قطعی به نظر می‌رسد. از طرفی لزوم رعایت حقوق بنیادین بشری در رژیم حقوقی آبراه‌های بین‌المللی مقدم بر اجرای منابع عرفی این حوزه از جمله اصل استفاده معقول و منصفانه جلوه داده شد که در این راستا موضوع فوق‌الذکر از معاهده آب رود هیرمند به‌عنوان مهمترین سند حقوقی حاکم بر روابط آبی حوضه هیرمند استنباط گردید که در نتیجه از تعهدات افغانستان به‌شمار می‌رود. به علاوه افغانستان با تحدید حقا‌به ساکنان این حوضه اقدام به نقض حقوق بشر در ابعاد مختلف و گسترده‌ای می‌نماید که می‌تواند در نهایت به تهدید حیات ساکنان و نقض حق حیات به‌عنوان مهمترین و بنیادین‌ترین حق بشری آمره منتهی گردد. در این پژوهش سعی شد استدلال‌ات مرتبط با موضوع فوق به صورتی کامل در جهت احقاق حق ساکنان سیستان و بلوچستان ارائه گردد. به نظر می‌رسد که استناد به سازوکارهای نظارتی بر حقوق بشر به‌عنوان مهمترین راهکار حقوقی در جهت حل این بحران به‌شمار می‌آید. اقدام در جهت استناد به سازوکارهای نظارتی مبتنی بر منشور ملل متحد که رویه ویژه^۱ در رأس آنها قرار دارد، می‌تواند با توسل به آگاه‌سازی جامعه بین‌الملل از حجم و عمق این بحران موجب حل و فصل آن و ارتقای صلح و امنیت در این منطقه راهبردی گردد، هرچند پاسخگوسازی افغانستان در برابر این نقض فاحش از دیگر نتایج موضوع به‌شمار می‌رود. در عین حال استناد به سازوکارهای نظارتی معاهده‌محور حقوق بین‌الملل بشر که کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهمترین آنها قلمداد می‌شوند از دیگر راهکارهای حقوقی مهم به‌شمار می‌روند. به‌طور کلی ابعاد سلبی حق دسترسی بر آب با خلا‌های زیادی در ادبیات حقوق بین‌الملل بشر روبه‌رو است و این در حالی است که به‌عنوان مثال در مورد حق بر غذا، مفاهیم مرتبط با رویکرد سلبی در آن به‌طور قابل‌قبولی تبیین شده‌اند. به نظر می‌رسد تبیین ابعاد مختلف رهایی‌حداقلی از تشنگی که به‌طور کامل با حیات و کرامت انسانی در ارتباط

1. Special Procedure (SP).

است به نوعی مغفول مانده و لازم است تا در این مورد بررسی‌های بیشتری توسط کمیته‌های حقوق بشر و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت پذیرد تا در آینده شاهد بحران‌هایی به سان بحران امروز هیرمند نباشیم.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mohammad Saleh



<https://orcid.org/0000-0003-2791-645X>

Anisi

Mahnaz Rashidi



<https://orcid.org/0000-0003-4675-5460>

Mahdi Piri



<https://orcid.org/0000-0002-0065-9994>

منابع

کتاب‌ها

- رشیدی، مهناز، امنیت آب در حقوق بین‌الملل (تهران: مجد، ۱۳۹۹).
- ظاهری، علیرضا، تحلیل محتوای آرا و احکام قضایی و داوری بین‌المللی (تهران: خرسندی، ۱۳۹۷).

مقاله‌ها

- اسلام‌پناه، میثم و همکاران، «نگرشی بر نقش رویه‌های ویژه حقوق بشری در دسترسی به حق آب آشامیدنی سالم در کشورهای در حال توسعه»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۳، (۱۴۰۱).
- اطهری، سیداسداله و همکاران، «بررسی میدانی تأثیر سیاست‌های آبی افغانستان بر منطقه سیستان»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره ۳، (۱۳۹۹).
- انیسی، محمد صالح و همکاران، «الزامات حقوقی پیشگیری از ناامنی غذایی در پرتو رویکرد ارزیابی اثرات بر سلامت: مطالعه موردی شیوع کووید ۱۹»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۷، (۱۴۰۲).

- جاوید، احسان و نیاورانی، صابر، «قابلیت اجرای فراسرزمینی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۳، (۱۳۹۵).
- جاوید، احسان و نیاورانی، صابر، «قلمرو حق بر سلامتی در نظام حقوق بین‌الملل بشر»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۱، (۱۳۹۳).
- رشیدی، مهناز، «نقش قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در تضمین حق بر آب»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۷، (۱۴۰۱).
- زرنشان، شهرام و میرجعفری، سیدحسین، «جایگاه پوزیتیویسم حقوقی در ارکان ملل متحد»، مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، شماره ۴، (۱۳۹۶).
- زمانی، سیدقاسم و غریب آبادی، کاظم، «تحریم به مثابه نقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۴۰، (۱۳۹۶).
- زمانی، سیدقاسم و شاملو، سوده، «نسبیت احکام دیوان بین‌الملل دادگستری در نظر و عمل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۶، (۱۳۹۱).
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «معاهدات حقوق بشری فضایی متفاوت»، نشریه دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۸، (۱۳۸۳).
- عزیزی، ستار، «شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۷۰، (۱۴۰۰).
- قریشی، سیده زهرا و همکاران، «تحلیل ماتریس همبست تعاملات آب‌های فرامرزی در حوضه آبریز هیرمند»، تحقیقات آب و خاک ایران، شماره ۱، (۱۴۰۰).
- محمدی، عقیل و حاجی ملا، هیوا، «تعهد دولت‌ها به اجرای فراسرزمینی حق بشر بر دسترسی به آب سالم و بهداشتی»، مطالعات حقوقی، شماره ۱، (۱۴۰۲).
- موسی زاده، رضا و عباس زاده، مرتضی، «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، (۱۳۹۵).
- نصرالهی شهری، نیما و زمانی، سیدقاسم، «بررسی حق بشری دسترسی به آب در پرتو رویه دیوان داورای ایکسید»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۲، (۱۳۹۹).
- نوبهار، الهام و کبیری رنانی، محبوبه، «بررسی مسأله رودخانه هیرمند: رهیافت نظریه بازی‌ها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱، (۱۳۹۹).
- وریج کاظمی، مریم، «نقش هیدروپلیتیک هیرمند در بروز بحران‌های قومی در سیستان و بلوچستان»، جغرافیا و روابط انسانی، شماره ۲، (۱۳۹۹).

References

Books

- McCaffrey, Stephen C, *The Law of International Watercourses*, 3rd Edition (London: Oxford Publication, 2020).
- Malcom N, Shaw, *International Law*, 6th Ed (London: Cambridge University Press, 2008).
- Wehling, Philine, *Nile Water Rights an International Law Perspective*, (Berlin: Springer, 2020).

Articles

- Ahmad, Nehaluddin, “Human Right to Water Under International Law Regime: an Overview”, *Commonwealth Law Bulletin*, ol. 46, No. 3, (2020), <https://doi.org/10.1080/03050718.2020.1770618>.
- Benohr, I., “The Right to Water and Sustainable Consumption in EU Law”, *J. Consum Policy*, Vol. 46, (2022).
- Besson, Samantha, “Due Diligence and Extraterritorial Human Rights Obligations- Mind the Gap!”, *ESIL Reflections*, Vol. 9, No.1, (2020).
- Borreti, Alberto & Rosa, Lorenzo, “Reassessing the Projections of the World Water Development Report”, *NPJ Clean Water*, Vol. 2, No. 15, (2019), Doi: <https://doi.org/10.1038/s41545-019-0039-9>.
- Curry, Elliot, “Water Scarcity and the Recognition of the Human Rights to Safe Freshwater”, *Northwestern Journal of International Human Rights*, Vol. 9, No. 1, (2010).
- D'Amato, Anthony, “It’s a Bird, It’s a Plane, It’s JUS Cogens”, (2010), Faculty Working Papers, Paper 61, available at: <http://scholarlycommons.law.northwestern.edu/facultyworkingpapers/61>.

- Fitzmaurice, Malgosia, “Due Diligence in the Use of International Watercourses”, Oxford Online Pubs, (2021), <https://academic.oup.com/book/39708/chapter-abstract/350385293?RedirectedFrom=fulltext>.
- Hall, Ralph p et.al., “The Human Right to Water: The Importance of Domestic and Productive Water Rights”, Scieng Ethics, Vol. 20, (2014), <https://doi.org/10.1007/s11948-013-9499-3>.
- Hilderling, Antoinette, “The Impact of a Human Right to Water on the Sustainable Balance of Water Uses Under the UN Watercourses Convention”, Utrecht Law Review, Vol. 16, No. 2, (2020).
- Kibaroglu, Aysegul, “An Analysis of Turkey's Water Diplomacy and Its Evolving Position Vis-à-vis International Water Law”, Water International, Vol. 40, No. 1, (2015).

Instruments and Cases

- Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo V. Uganda), Judgment, ICJ Reports (2005).
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights, “Statement on right to Sanitation”, (2010), available at: <https://digitallibrary.un.org>.
- Corfu Channel Case Judgment of December 15th, 1949, I.C.J Reports (1949).
- Dispute Over the Status and Use of the Waters of the Silala (Chile v. Bolivia), Judgment, ICJ Reports (2022).
- European Court of Human Rights, Case of Loizidou V. Turkey (Preliminary Objections), (1995).
- European Parliament, “Resolution on Access to Water as a Human Right-the External Dimension”, (2022).
- Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, ICJ reports (1997).

- Human Rights Council, “Resolution on Human Rights and Access to Safe Drinking Water and Sanitation”, (2010).
- Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ Reports (2004).
- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, ICJ Reports (1996).
- Lopez Burgos V. Uruguay, Communication no 52/1979, UN Doc CCPR/C/13/D/52/1979, IHRL 2796 (UNHRC 1981), 29th July (1981), United Nations: Human Rights Committee[CCPR].
- Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, ICJ Reports (2010).
- The Afghan-Iranian Water Treaty of (1973), available at: https://www.internationalwaterlaw.org/documents/regionaldocs/1973_Helmand_River_Water_Treaty-Afghanistan-Iran.pdf.
- The United Nations Convention on Non Navigational Uses of International Watercourses, (1997), available at: [https:// legal. un. org/ ilc/ texts/instruments/english/conventions/8_3_1997.pdf](https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/8_3_1997.pdf) .
- Trail Smelter Case, April 16th and March 11th, (1941).
- United Nations Conference on Environment & Development, “AGENDA 21”, (1992), available at: www.sustainabledevelopment.un.org.
- United Nations General Assembly, “Resolution on Recognizing Access to Clean Water, Sanitation as Human Right”, (2010).
- UN Economic and Social Council, General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant), E/C.12/2002/11, op.
- United Nations, “The 2030 Agenda and the Sustainable Development Goals: An Opportunity for Latin, America and the Caribbean”, (2018).

- Water and Sanitations Rights Explained, available at: [https:// www.ohchr. org/en/stories/2014/11/water-and-sanitation-rights-explained](https://www.ohchr.org/en/stories/2014/11/water-and-sanitation-rights-explained).
- 1966 International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

In Persian

Books

- Rashidi, Mahnaz, *Water Safety in International Law* (Tehran: Majd, 1399). [In Persian]
- Zaheri, Alireza, *Analysis of the Content of Decisions and Judicial Rulings and International Arbitration* (Tehran: Khorsandi, 1397). [In Persian]

Articles

- Anisi, Mohammad Saleh et. Al., “Legal Requirements for Preventing Food Insecurity in Light of a Health Impact Assessment Approach; Covid 19 Outbreak Case Study”, *Public Law Research*, Vol 24, (2023). [In Persian]
- Athari, Seyed Assadolah et. al., “Field Study of the Impact of Afghanistan's Water Policies on the Sistan Region”, *Research Political Geography Quarterly*, Vol. 5, (2020). [In Persian]
- Azizi, Sattar, “The Recognition of the Islamic Emirate of Afghanistan (Taliban) from the Perspective of International Law”, *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 18, (2021). [In Persian]
- Eslampanah, Meysam et.al., “An Overview of the Role of Special Human Rights Procedures in Access to Safe Drinking Water in developing Countries”, *Political Sociology of Iran*, Vol. 5, (2022). [In Persian]
- Ghoreishi, Seyedeh Zahra et.al., “The TWINS Framework for Illustrating Co-Existing Conflict and Cooperation in the Hirmand River Basin”, *Iranian Journal of Soil and Water Research*, Vol. 52, (2021). [In Persian]

- Javid, Ehsan & Niavarani, Saber, "Extraterritorial Applicability of International Obligations of States in the Field of Economic, Social and Cultural Rights", Public Law Research, Vol. 18, (2017). [In Persian]
- Javid, Ehsan & Niavarani, Saber, "The Scope of the Right to Health in International Human Rights Law", Public Law Research, Vol. 15, (2014). [In Persian]
- Mohammadi, Aghil et.al., "Obligation of States to Extraterritorial Implementation of the Human Right to Access to Safe and Sanitary Water", Journal of Legal Studies, Vol. 15, No.1, (2023). [In Persian]
- Moosazadeh, Reza & Abbaszadeh, Morteza, "Legal Aspects of Exploitation of Hirmand Border River by Iran and Afghanistan", Central Asia and the Caucasus Journal, Vol. 22, No. 93, (2015). [In Persian]
- Nasrollahi Shahri, Nima & Zamani, Seyed Ghasem, "An Investigation of the Human Right to Water in ICSID Caselaw", Public Law Studies Quarterly, Vol. 50, (2020). [In Persian]
- Nobahar, Elham & Kabiri Renani, Mahboobeh, "An Exploration of the Issues on Hirmand River: A Game Theory Approach", Geopolitics Quarterly, Vol. 16, (2020). [In Persian]
- Rashidi, Mahnaz, "The Role of the Judiciary of Islamic Republic of Iran in Ensuring the Right to Water", The Judiciary's Law Journal, Vol. 86 No. 117, (2022). [In Persian]
- Ghari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, "Human Rights Treaties Different Atmosphere", International Law Review, Vol. 20, (2003). [In Persian]
- Verij Kazemi, Maryam, "Helmand Hydropolitical Role in Ethnic Crises in Sistan and Baluchestan", Geography and Human Relationships, Vol. 3, (2020). [In Persian]

- Zamani, Seyed Ghasem & Gharib Abadi, Kazem, "Sanctions as State's Violation of International Obligations in Protection of Human Rights", MLJ, Vol. 11, No, 40, (2017). [In Persian]
- Zamani, Seyed Ghasem & Shamlou, Soodeh, "The Relativity of the Judgments of the International Court of Justice in Opinion and Practice", Legal Researches, Vol. 16, (2011). [In Persian]
- Zarneshan, Shahram & Mirjafari, Seyed Hossein, "Legal Positivism Place in the Organs of the United Nations", Public Law Studies Quarterly, Vol. 48, No. 4, (2018). [In Persian]

Case

- The Declaration of the Islamic Emirate of Afghanistan in Connection with the Recent Statements of the President of Iran, (2023), available at: www.Tabnak.ir. [In Persian]



استناد به این مقاله: انیسی، محمد صالح، رشیدی مهناز و پیری، مهدی، «الزامات حقوق بشری دولت‌ها در بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی: مطالعه موردی هیرمند»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۶، شماره ۸۵ (۱۴۰۳)، ۱۹۷-۲۳۴.

Doi: 10.22054/QJPL.2024.77194.2955



The Quarterly Journal of Public Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License